

مقاله پژوهشی: اصول راهبردی حاکم بر مکتب سلیمانی

محمدباقر بابائی طلائی^۱

دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۹/۰۴/۰۱

چکیده

مقاله باهدف امتثال کلام رهبری در تبیین مکتب سلیمانی و اصول راهبردی حاکم بر آن نوشته شده است. روش تحلیل از نوع استقراء اجتهادی و یا تحلیل محتوای باشد و جامعه آماری آن وصیت نامه و سخنان سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و سخنان مقام معظم رهبری و سخنرانی و مصاحبه با هم رزمان این شهید بزرگوار بوده است. پژوهش ما را به اصولی هدایت کرد که رعایت آن ما را به همان جایگاه و مقامی می رساند که این شهید بزرگوار را رسانده است اصولی که محدودیت زمانی، مکانی، قومیتی و مذهبی ندارد بلکه ناظر بر هویت و حقیقت انسانی است این اصول در چهار مؤلفه اساسی که تشکیل دهنده رفتار آدمی است تجمیع شد یعنی اصول دانشی و معرفتی، اصول ارزشی و انگیزشی، اصول الگویی و اصول نمادی. که سه اصل خداپاوری و یقین به وحدانیت او، تفکر راهبردی ولایی و آخرت نگری از اصول اندیشه‌ای است و اخلاص در گفتار و عمل، روحیه جهادی و انقلابی گری و التزام عملی به دین از اصول ارزشی و انگیزشی است و تقوا و ادب الهی، استقامت علوی گونه و مدیریت دینی از اصول الگویی و ولایت مداری (ولی فقیه)، عشق به خدا و دیدار او و تصمیم‌گیری راهبردی ولایی از اصول نمادی احصا گردید.

واژگان کلیدی: مکتب سلیمانی، اصول راهبردی، اصول اندیشه‌ای، اصول ارزشی، اصول الگویی و اصول نمادی

^۱ دانشیار، مدیریت استراتژیک، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) (نویسنده مسئول) Malib937@gmail.com

مقدمه

انسان موجودی است که آمدنش به اختیار او نیست ولی چگونگی زندگی و رفتن او از این دنیا به دست اوست به تعبیر الکساندر گلیویچ دوگین^۱ فقط درست زندگی کردن مهم نیست، درست مردن هم مهم است و این مهم‌تر از زندگی است. سپهبد شهید این گزاره را به‌خوبی به جهانیان نشان داد که می‌توان خوب زندگی کرد و خوب رفت.

از ویژگی‌های نسخه واحد بودن انسان این است که می‌توان قوانینی را در زندگی همه سرایت داد و با طی آن‌ها می‌توان به همان مقصودی که دست‌یافته‌اند گرچه فاصله زمانی بین آن‌ها باشد، دست‌یافت که جنس هدایت‌های انبیا و مردان بزرگ از این نوع است یعنی در آن‌ها، توجه به نسخه واحده و یا شخصیت حقیقی انسان می‌شود نه حقوقی او که نسبت به افراد مختلف متفاوت بوده و هر کدام خصیصه‌ی خاصی دارند و با آن شناخته شده و یک مختصات بیش نیست که امروزه از آن به ژن یاد می‌کنند.

ویژگی مکتب نگاه حقیقی به انسان و توجه به اصولی است که عاری از قید زمان و مکان و خصوصیات دیگر محدودکننده است بلکه تنها ناظر به خصوصیت انسانی است که در همه یکسان است و با آن وحدت نوعی پیدا می‌کند و با تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها، دیگران را همراه و متأثر می‌کند.

سپهبد شهید به تعبیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (رحمه‌الله علیه) بود، او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند و شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت شهادت شهید) برای این که قدر و انداز کاری که ایشان انجام داده‌اند، مشخص شود باید به کار ایشان به چشم یک مکتب نگاه کنیم. "سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمّیت این قضیه روشن خواهد شد." (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، خطبه‌های نماز جمعه، ۹۸/۱۰/۲۷)

^۱ فیلسوف و مشاور ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه سخنرانی دانشگاه شریف و مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تاریخ ۹۸/۱۱/۲۱ به مناسبت چهلمین روز شهادت سپهبد شهید

این مقاله باهدف امتثال کلام رهبری نوشته شده است که بتواند با تبیین راهبردهای حاکم بر مکتب سلیمانی انشاء الله گامی آغازین برای ورود، توسعه و تعمیق اندیشه‌های آن شهید بزرگوار شده باشد و به این سؤال اساسی جواب دهد که چه اصول راهبردی بر مکتب سلیمانی حاکم هست؟

مبانی نظری

پیشینه شناسی

آثاری که در خصوص شهید نوشته شده عموماً بیان خاطراتی از شهید هست و اثری که به مکتب سلیمانی بپردازد بنده مشاهده نکرده‌ام از این رو این اثر نو و جدیدی است که به تبیین اصول حاکم بر مکتب سلیمانی پرداخته است و چند اثری که در این خصوص ملاحظه شده به شرح زیر هست.

جدول ۱: آثاری نوشته شده در خصوص شهید سلیمانی

| عنوان اثر | نویسنده | ناشر و سال نشر و تعداد صفحات | موضوعات اثر |
|--|--------------------|------------------------------|--|
| سیری در اندیشه‌های راهبردی شهید حاج قاسم سلیمانی | ابوذر مهروان فر، | مهرامیرالمومنین، ۱۳۹۸ : ۲۸۴ | ولایت فقیه، انقلاب، دفاع مقدس، شهادت، مدافعان حرم، فرهنگ و هنر |
| ذوالفقار | علی اکبر مزد آبادی | یا زهرا، ۱۳۹۸، ۲۴۸: | برش‌هایی از خاطرات شفاهی شهید حاج قاسم سلیمانی با عکس |
| سردار دل‌ها | گروه فرهنگی تقدیر | گروه فرهنگی تقدیر، ۱۳۹۸: ۱۳۶ | خاطرات شهید از دفاع مقدس، داعش، جنگ ۳۳ روزه |
| سربازان سردار | مرتضی کرامتی | سه نقطه، ۱۳۹۵، ۱۷۶: | زندگینامه معرفی شهدای حرم و زندگینامه |
| این مرد پایان ندارد | سید علی بنی لوحی | راه بهشت، ۱۳۹۸: ۲۶۰ | زندگی جهادی حاج قاسم سلیمانی |

– مفهوم شناسی

اصول راهبردی: مجموعه گزاره های دانشی، ارزشی، روشی (الگو) و منشی (نماد) که موجب سازگاری و تعامل هم افزایی بین عوامل مختلف اثرگذار در شکل گیری مکتب سلیمانی با حفظ ویژگی دورنگری، آینده نگری و انعطاف پذیری در راستای آرمان ها و منافع حیاتی آن می شود) بابائی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۸)

تعریف مکتب: از مکتب تعاریف مختلفی شده است ولی قدر متیقن آن مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات است که آدمی را به انجام سبک و روش خاصی از عمل وامی‌دارد برای نمونه همه مکاتب الهی اعم از مسیح و یهودی و اسلام نماز و روزه‌دارند (یونس: ۸۷ و شوری: ۱۳) ولی کیفیت انجام آن‌ها متفاوت شده است. این کیفیت ناشی از تمایزهای مکتبی است که در این مکاتب نهفته است که در جای دیگر باید در مورد آن بحث کرد.

استاد شهید مطهری در تعریف مکتب می‌گوید: یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد هست (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۴۴)

از نگاه سید حسن نصرالله مکتب به معنای ایده، مجموعه ایده‌ها، فرهنگ یا یک روش معین در کار هست مثلاً حاج قاسم فرمانده یک نیرو در سپاه بود؛ می‌توانست در تهران بنشیند و به دیگران بگوید بیایید اینجا. بعد با آن‌ها جلسه بگذارد و به حرف‌هایشان گوش بدهد و مسائلشان را به‌صورت طبیعی و خوب پیگیری کند. و مثلاً هر شش ماه یا یک سال هم سری به لبنان و سوریه و عراق و این‌ها بزند که معمولاً برخی فرماندهان این‌طوری رفتار می‌کنند. اما مکتب حاج قاسم یعنی رفتن به عرصه‌ی عملیات و میدان عمل. رفتن به سوی دیگران. (مصاحبه با شبکه المیادین، پخش از شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۲۱ / ۱۱ / ۹۸ ساعت ۲۲)

- اصول اندیشه‌ای: این اصول گزاره‌های تصدیقی است که نتیجه تعاملات تفکری عقل نظری بوده و از اندیشه عمیق نظری به خدا، خود، دیگران و جهان اطراف هویت می‌گیرند. و سازنده جهان بینی فرد نیز می‌باشند (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۶۵)

اصول ارزشی: این اصول برخاسته از نوع و کیفیت اصول اندیشه‌ای عقل نظری است و در حکم قوایی می‌مانند که اعضا و جوارح را به حرکت وا می‌دارد و باید نبایدهای زندگی آدمی را می‌سازد (باب

اصول الگویی یا روشی: گزاره‌های محتوایی که بیانگر چگونگی و مهندسی رفتارها بوده که از آن به قانون محاکات نیز یاد می‌کنند براساس این قانون هر فردی در زندگی نیازمند الگو می‌باشد (بابائی، ۱۳۸۴، ص ۹۲)

اصول نمادی یا منشی : گزاره های که حاکی از مهندسی بیرونی رفتارها و چگونگی انجام کارها می باشد مانند کیفیت نماز خواندن و فرماندهی کردن (بابائی، ۱۳۹۲، ص ۸۳)

- چرایی و چگونگی و چیستی مکتب سلیمانی:

- چرایی مکتب سلیمانی:

وقتی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأکید دارند که به سپهبد شهید به‌عنوان مکتب، یک‌راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز نگاه شود تا اهمیت این قضیه روشن شده و قدر و قیمت آن مشخص گردد بیانگر چرایی این نگاه و رویکرد هست در ضمن اگر به حاج قاسم به‌عنوان شخص و با قضایای شخصیه نگاه شود شخصیت و ارزش‌های کاری او در لابه‌لای تاریخ و امواج تبلیغات دشمنان به فراموشی سپرده می‌شود از این‌رو ماندگاری او در طول تاریخ مرهون توصیف عملکردهای او با قضایای کلی به‌عنوان یک مکتب و بررسی و تبیین مهندسی معکوس مبانی فکری و ارزشی و الگوی اوست تا بتوان با طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی، مهارتی و اسطوره‌سازی سبک فرماندهی و مدیریتی افراد همسان او تربیت نمود.

- چگونگی مکتب سلیمانی

محتوا و مهندسی و چگونگی مکتب سلیمانی جدا از اسلام و مکتب امامین انقلاب که مفسر اسلام ناب محمدی می باشد نخواهد بود چنانکه مقام معظم رهبری در پیام تسلیت شهادت ایشان و دیدار با خانواده شهید بدان تصریح کردند از این در طرح و بیان مکتب سلیمانی باید به این نکته توجه کرد یعنی وقتی در پیام تسلیت مقام معظم رهبری، سپهبد شهید را از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی می‌نامند به‌طور طبیعی نباید بین مکتب اسلام و امام خمینی و سلیمانی تفاوتی دیده شود و اگر هست این تفاوت در روش‌های اجرایی است که ایشان از مکتب امام خمینی که همان اسلام ناب است بدان پایبند بوده است و او را از دیگران متمایز ساخته بود.

به معنای دیگر مشروعیت و مقبولیت رفتارها و عملکردهای هر مسلمان از جمله حاج قاسم به میزان مشابهت رفتارها و عملکردها ما با میزانی است که شرع مقدس آن را مشخص کرده است که از یک دامنه وسیعی برخوردار است مثلاً نماز افراد یا حضور در میدان عملیات بر پایه میزان اخلاص مراتب مختلف پیدا می‌کند و فردای روز حساب، این عملکرد به میزان مشابهت عملکرد یک معصوم نمره قبولی دریافت می‌کند. چراکه سیره و گفتار معصومین علیهم‌السلام میزان حق در قیامت برای سنجش میزان اعتبار اعمال دیگران است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰؛ ص ۲۲۲)

- چستی مکتب سلیمانی

اما در چستی مکتب سلیمانی باید آن را نظام فکری و دکترین سلیمانی بدانیم که متناسب با شرایط زمانی و مقتضیات محیطی به این شکل طرح شده است چنانکه ائمه علیهم السلام یا پیامبران گرچه متفاوت هستند ولی یکی چیز می گفتند و دنبال هدف واحدی بودند یعنی نفی طاغوت و عبادت خدای واحد (النحل : ۳۶) ولی شکل برخورد آن‌ها به تناسب شرایط زمان و مقتضیات زمانی متفاوت بود مثلاً ابراهیم علیه السلام با طاغوتی مبارزه کرد که سنبل غالب آن بت شکنی بود (انبیا: ۶۴) و یا موسی علیه السلام با طاغوت سحر به مبارزه برخاست و با عصا و ید بیضا به بیداری ساحران و مردم برخاست (الاعراف: ۱۱۷) و عیسی علیه السلام با طاغوتی مبارزه کرد که سنبل آن احیا اموات و شفای مریض‌ها بود (مائده: ۱۱۰) و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار به مبارزه طاغوتی برخاستند که ابزارش جهل مردم بود و خداوند قرآن را برای هدایت و بیداری مردم از خواب غفلت برای جهانیان فرستاد (انبیا: ۱۰۷) از این رو ما به حقیقت واحد همه آن‌ها را اعتراف داریم و هیچ فرقی بین پیامبران الهی قائل نیستیم « لا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ » (البقره : ۲۸۵) و مقام معظم رهبری نیز در کتاب انسان ۲۵۰ ساله همه آن‌ها را مانند انسانی می دانند که در دوره‌های مختلف، متفاوت عمل کردند (مقام معظم رهبری، انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۸، ص ۳۳۸) از این رو قائل به مکتب امام صادق علیه السلام و سایر ائمه هستیم و این تفاوت دلیل بر اختلاف نیست بلکه به مقتضیات زمان و مکان دکترین متناسب با آن ارائه می‌داند و برای ما نیز حجت است چنانکه شهید مطهری این گستره را دلیل غنای شیعه در برخورد با حوادث می‌داند و می‌گوید ۲۷۳ سال دوره معصومین شرایط و اوضاع چندین گونه عوض شده و در تمام این دوره‌ها معصوم وجود داشته است و لهذا ما در شرایط مختلف می‌توانیم روش صحیح را استنباط کنیم. مثلاً امام صادق در دوران بنی العباس هم بوده است در صورتی که دوره‌ای شبیه دوره بنی العباس برای پیغمبر اکرم رخ نداده است. از این جهت سرمایه‌های ما غنی‌تر و جامع‌تر است. (مطهری، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۷۸)

از این رو در جنگ و تعاملات بین‌المللی، فرماندهی و مدیریت و برخورد با پدیده داعش می‌توان گفت حاج قاسم صاحب مکتب و دکترین خاصی بودند که به هیچ وجه این مکتب مخالف مکتب اسلام ناب و مکتب امام خمینی نیست چراکه این مکتب در وجود او متجلی شده است که ناشی از باور و اعتقادات و نوع نگاهش به خدا مقام ولایت و انسانیت بود چنانکه در حدیث منتسب به امیرالمومنین علیه السلام فرموده باشد که مواظب نگاهتان باشید که افکارتان را می‌سازد و مواظب

افکارتان باشید که افعالتان را می سازد و مواظب افعالتان باشید که عادت و عاقبتان را می سازد) بابائی: ۱۳۹۵، ص ۳۵۰) که تفسیری دیگری از آیه ۸۴ سوره اسراء است (ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۲۶۲)

از این رو طرح شیوه و سبک عملکرد حاج قاسم در قالب یک مکتب باعث دوام و استحکام ساختی و ساختاری آن شده و امکان تئوری پردازی و طراحی دوره‌های توانمندسازی بر اساس آن را میسر می‌سازد.

از طرف دیگر سبک و روش‌هایی که عملکردهای حاج قاسم در دامنه آن شکل می‌گرفت قوام و استحکامش بر پایه اصولی هست که چنانکه گفته شد از متن اسلام و مکتب امام خمینی برگرفته شده است و رنگ و بوی عملکردهای ایشان نیز از همان اصول برمی‌خیزد و همان اصول هستند که چگونگی انجام کارها و عملکردهای او را تجویز می‌کند و مشروعیت عملکرد او را تائید می‌کند.

چارچوب نظری

از نگاه قرآن و علوم مردم شناختی و رفتارشناسی، رفتارهای اختیاری انسان متأثر از عواملی است که بخش‌های ادراکی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بابائی ۱۳۹۶، ص ۹۵) بچه آدمی وقتی به دنیا می‌آید مانند سایر حیوانات و شاید ضعیف‌تر از خیلی از آن‌ها عمل می‌کند؛ هیچ انسانی به او خوردن، نفس کشیدن و مکیدن پستان مادر را نیاموخته است این رفتارها به حکمت و علم الهی و بر اساس نهادهای ذاتی‌ای است که در نهاد آن‌ها قرار گرفته و آن‌ها را وامی‌دارد این کارها را انجام دهند. چنان‌که حضرت موسی علیه‌السلام در دامن زن فرعون قرار می‌گیرد به دستور الهی پستان غیر مادر را نمی‌گیرد او نوزادی بیش نیست ولی به اشاره خداوند فقط پستان مادر را می‌شناسد و بقیه بر او حرام شده است. «وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ» (القصص: ۱۲) ما قبلاً پستان همه زنان شیرده را بر او حرام کرده بودیم

بنابراین وقتی آدمی پا به دنیا می‌گذارد به تعبیر قرآن هیچ اندوخته علمی ندارد «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً» (النحل: ۷۸) یعنی خداوند شما را از بطن مادرهایتان خارج کرد در صورتی که چیزی نمی‌دانستید ولی ابزارهای ادراکی لازم را در اختیار او قرار داده است که به‌تناوب از پدر و مادر و محیط تصاویر را از ناحیه چشم ببیند و تصدیقات را از ناحیه گوش

بشوند و عواطف را از ناحیه عقل و قلب درک نماید» وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (النحل: ۷۸، المومنون ۷۸ و ملک: ۲۳)

یعنی رفتارهای اختیاری انسان تا زمانی که به چیزی علم پیدا نکند اعم از تصویری و تصدیقی و تا زمانی که مهارت لازم کسب نکند و تا زمانی که الگوی برایش نشان ندهند، میلی به آن نخواهد داشت چراکه تصویری از آن در ذهن ندارد. بعد از شناخت هرچند ابتدائی، ترغیبی بر پایه حس جستجوگری ذاتی برای شناخت آن ایجاد می‌شود که به دنبال آن میل و انگیزه‌ای برای محقق ساختن آن به وجود می‌آید و این‌که در انجام آنچه باید‌ها و نباید‌های را باید مدنظر گیرد باز به معرفت از آن برمی‌گردد و نکته دیگری که در کار و فعل اولیه مدنظر گرفته می‌شود چگونگی آن است مثلاً وقتی قبایل برای اولین بار با جسد برادرش روبرو می‌شود نمی‌دانست با او چه کار کند که خداوند کلاغی را راهنمایی او قرار می‌دهد او بر پایه علم اولیه جسد برادر را دفن می‌کند ولی دیگر به او غسل، کفن و تلقین و بقیه آداب دفن را انجام نمی‌دهد چراکه علمی به آن‌ها نداشت « فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورَى سَوْأَةُ أَحِيهِ » (المائدة: ۳۱) پس خدای تعالی کلاغی را مامور کرد تا با منقار خود زمین را بکند (و چیزی در آن پنهان کند) و به او نشان دهد که چگونه جثه برادرش را در زمین پنهان کند.

تأثیرات محیطی و چگونگی تبعیت از دیگران، از او موجودی فراملکی یا فرو حیوانی می‌سازد. چراکه خلقت جسمی او به تعبیر قرآن در بهترین وضعیت و موقعیت خلق شده است « لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ » (التین: ۴) به طوری که بهتر از آن متصور نیست ولی هویت انسانی او هنوز شکل نگرفته و لذا نمی‌توان بر او نامی غیر از بچه آدم نهاد او در این وضعیت همانند حیوانات دیگر به تبع ذاتیاتش می‌خورد، می‌آشامد و می‌خوابد.

بخش انسانی و بُعد ملکوتی انسان بر اساس آیات و روایات به فطرت توحیدی خلق شده است و اگر پدر، مادر و محیط عقل او را به درستی یاری کنند او به همان کمالی نائل می‌شود که خداوند او را برای آن خلق کرده است ولی اگر سستی کنند و در دام شیطان بیافتند او را از مسیر اصلی منحرف خواهند ساخت « مَا مِنْ مَّوَلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودِيَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ وَ يُمَجْسَانِهِ » (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲؛ ص ۴۹) یعنی یعنی هیچ بچه ای متولد نمی‌شود مگر این که بر سیاق فطرت خداشناسی هست سپس این پدران و مادران هستند که آنها را یهودی، نصرانی یا مجوس می‌کنند به عبارت دیگر این پدر و مادر و محیط است که جایگاه انسان را از حیوانات

پایین تر می آورند و کاری می کنند که دیگر گوش، چشم و عقل و سایر قوای ادراکی کارکرد اصلی خود را از دست بدهند» (م تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا) (الفرقان : ۴۴) آیا می پنداری بیشترشان می شنوند یا می فهمند؟ که آن ها جز به مانند حیوانات نیستند بلکه روش آنان گمراه تر است

اگرچه پدر و مادر و محیط، پشتیبان های اولیه علمی و عملی هدایت انسان هستند ولی ساختار وجودی او چنان نگاشته شده است که بعد از اكمال رشد عقلی به همه آن ها پشت پا زده و مسیر هدایت را خودش انتخاب نماید و اراده الهی نیز بر این پایه استوار است تا هویت ثانوی انسان به اختیار او نگارش یابد. « إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا » (الإنسان : ۳) همانا ما او را به راه هدایت کردیم و این خو اوست که شاکر (به هدایت عمل) کند یا کافر آن باشد (یعنی خلاف آن عمل می کند)

اما چرا و چگونه برخی به مقامی دست می یابند که از ملائکه فراتر رفته و با ترک دنیا، خلائی مشهود در آن رخ می دهد و مردم را متأثر می کند « تُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ تُلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ » (کلینی ، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۸) یعنی در اسلام رخنه ای ایجاد می شود که چیزی آن را پر نمی کند و با انرژی که از شکافت وجود جسمی آن ها پدید می آید جهانی را متأثر می کند؟! " بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بَقَاعَ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَتْ يُعْبَدُ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَتْ تُصْعَدُ بِأَعْمَالِهِ فِيهَا (ابن بابویه، علل الشرائع ، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۶۲) بر او ملائکه الهی و جاهایی که عبادت خدا را انجام می داده است و درهای آسمانی که اعمال او از آن بالا می رفت در فقدان او می گریند.

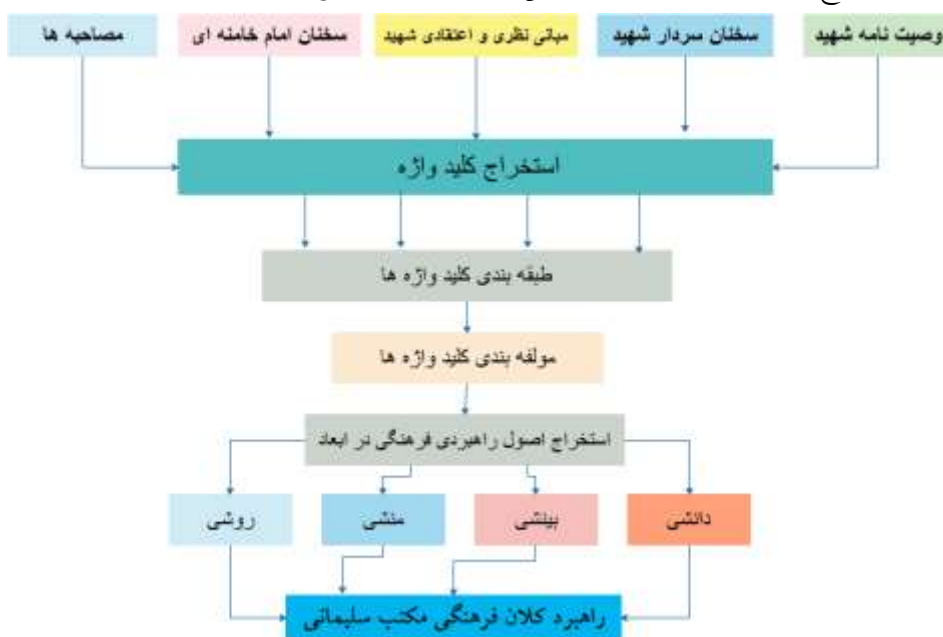
جواب این سؤال به محتوای مؤلفه های چهارگانه ی اندیشه ای، ارزشی، الگویی و نمادی برمی گردد (بابائی، ۱۳۹۶، ص ۶۱ و بابائی، ۹۴، ص ۱۴۱) که در افراد مختلف بوده و چهره و شخصیت آن ها را متفاوت می سازد بنابراین مدل مفهومی ما در تحلیل رفتارهای مکتب سلیمانی و استخراج اصول راهبردی ایشان به این مؤلفه ها برمی گردد و اصول راهبردی ایشان به چهار بخش کلی تقسیم خواهد شد. (شکل ۱)



شکل ۱: مدل مفهومی شکل گیری اصول راهبردی حاکم بر مکتب سلیمانی

روشن‌شناسی

این تحقیق از نظر روشی از نوع تحلیل مضمون یا محتوا است که به روش اجتهاد استقرایی مورد بازکاوی قرار گرفته است که از روش‌های تحلیل کیفی است (بابائی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵) که در آن ابتدا سخنان سپهبد شهید، وصیت‌نامه شهید، سخنان امام خامنه‌ای و مصاحبه‌های که با هم‌زمان ایشان صورت گرفته است، مورد مطالعه قرار گرفت و مفاهیم اولیه و کلیدواژه‌های مربوطه استخراج گردید و سپس طبقه‌بندی بین کلیدواژه‌ها صورت گرفته و مؤلفه‌های چهارگانه مدل مفهومی از آن‌ها استخراج گردید که خلاصه آن در شکل شماره ۲ ملاحظه می‌شود.



شکل ۲: مراحل روش اجتهاد استقرایی در شکل‌گیری اصول فرهنگی مکتب سلیمانی

جامعه آماری و روایی و پایایی پژوهش:

از آن‌جاییکه پژوهش به روش اجتهاد استقرایی صورت گرفته است از این رو بخشی از اطلاعات از طریق مطالعه سخنان به‌جامانده از شهید به‌دست آمده و بخشی نیز از مطالعه سخنان رهبر معظم انقلاب که در مورد شهید گفته شده است و بخشی نیز از طریق مصاحبه با مسئولان و نخبگانی صورت گرفته است که با سردار آشنا بودند و از نزدیک با ایشان کار کرده بودند که اطلاعات کامل جمعیت شناختی آن‌ها در جدول شماره ۲ ارائه شده است و روایی و پایایی مطالب نیز بر اساس

سیاق سخنان و نوع سؤالاتی که از افراد صورت گرفته می‌شد. تعیین و میزان دقت و ارتباط مؤلفه‌ها و گویه‌ها سنجیده می‌شد یعنی وقتی از فردی سؤال می‌شد سؤالات به شکلی بیان می‌گردید که جواب‌های سؤال مصاحبه‌گر قبلی به‌نوعی تائید یا رد می‌شد و این شیوه تا آخر مصاحبه‌ها بود تا این که مطالب تکراری شد و مطلب جدیدی به دست نیامد و به علت اشباع نظری مطالب از ادامه مصاحبه خودداری کردیم. (بایانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵)

جدول ۲: جمعیت شناختی مصاحبه‌گران

| ردیف | اسامی مصاحبه‌شونده‌ها | مسئولیت |
|------|---------------------------|---|
| ۱ | سردار دکتر حسین علانی | رئیس ستاد وقت کل سپاه و فرمانده نیروی دریایی سپاه |
| ۲ | سردار دکتر محمدعلی بارانی | مسئول وقت معاونت دانشجویی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام |
| ۳ | جناب سرهنگ حسین عباسی | از فرماندهان حاج قاسم در لشکر ثارالله و قرارگاه قدس |
| ۴ | سردار محمد شیرازی | رئیس دفتر فرماندهی معظم کل قوا |
| ۵ | محمدعلی فتحی | سفیر سابق ایران در لبنان |
| ۶ | سردار دکتر نواب اصفهانی | معاون دانش و پژوهش ستاد کل سپاه، |
| ۷ | سردار داریوش بهمنی | مسئول وقت گروه قدس دافوس سپاه و بخش عراق سپاه قدس |
| ۸ | دکتر حسین خنیفر | استاد دانشگاه فرهنگیان کشور |
| ۹ | امیر موسوی | دیپلمات در حوزه سوریه و فلسطین و لبنان |
| ۱۰ | دکتر حسن علی اکبری | رئیس پژوهشکده علوم انسانی و مسئول وقت معاونت فرهنگی سپاه |
| ۱۱ | محمود سنگاوی | عضو ارشد اتحادیه میهنی عراق |
| ۱۲ | حسن پلارک | رئیس سابق ستاد بازسازی عتبات |
| ۱۳ | سردار دکتر اصغر صالح | معاون طرح و برنامه ستاد کل نیروهای مسلح |
| ۱۴ | سردار رحیم نوعی اقدم | فرمانده قرارگاه حضرت زینب(س) در سوریه |
| ۱۵ | سید حسن نصرالله | دبیر کل حزب الله لبنان |
| ۱۶ | آیت الله رئیسی | رئیس قوه قضائیه |
| ۱۷ | سردار دکتر حجازی | جانشین نیروی قدس |
| ۱۸ | سردار سلامی | فرمانده سپاه |
| ۱۹ | دکتر ابوالحسنی | مسئول مرکز مطالعات شهید بهشتی |
| ۲۰ | دکتر ابوالحسنی | مسئول مرکز مطالعات شهید بهشتی قرارگاه امام حسین علیه‌السلام |
| ۲۱ | جناب سرهنگ غلامی پور | از فرماندهان نیروی قدس |
| ۲۲ | حجت السلام شیرازی | نماینده ولی فقیه در نیروی قدس |

– اصول راهبردی مکتب سلیمانی

سبک و روش‌هایی که عملکردهای حاج قاسم در دامنه آن شکل می‌گرفت قوام و استحکامش بر پایه اصولی بود که از متن اسلام و مکتب خمینی و خامنه‌ای برگرفته است و رنگ و بوی

عملکردهای ایشان نیز از همان اصول برمی خیزد و همان اصول هستند که چگونگی انجام کارها و عملکردهای او را تجویز می کند در مثالی که سید حسن نصرالله از مکتب سلیمانی یاد می کند یعنی مدیریت و فرماندهی از نزدیک و حضور بی واسطه در صحنه های عمل و اخذ اطلاعات از نزدیک و به صورت عینی مبتنی بر اصلی است که در اسلام بر روی آن تأکید دارد که اطلاعات تا آنجایی که ممکن است از نوع یقینی باشد و عملکردها باید مبتنی بر آن باشد در آیه ۳۶ سوره اسراء تأکید دارد که از چیزی تبعیت کنید و برپایه آن تصمیم بگیرید که مبتنی بر علم باشد « وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ » و علم مراتب مختلف دارد که علم یقینی یکی از مراتب آن است. وقتی آدمی به آن دست می یابد بهشت و جهنم را می بیند « كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ » (التکائر: ۵) یعنی نه، باز تأکید می کنم که اگر به علم یقین برسید هر آئینه جهنم را می بینید و مرتبه بالاتر از آن حق یقین است که مبتنی حضور در صحنه عملیات و درک عینی آن است (التکائر: ۶) و بالاتر از آن حق یقین هست که در آن عالم و معلوم یکی می شود (الحاقه: ۵۱)

برپایه گفته های افرادی که با حاج قاسم مانوس بودند علم حاج قاسم از صحنه های عملیات از نوع حق یقین بود یعنی ایشان با صحنه های عملیات یکی بود و در متن آن ها واقع می شد؛ درد آن ها را حس می کرد از این رو مردم نیز او را حس می کردند و با او هم درد شده بودند. صحنه های که از کمک به سیل زدگان در تلویزیون نشان می داد و یا خاطراتی که هم زمان ایشان در مصاحبه ها تعریف می کردند همه دلیل این مدعی است.

تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

- حاج قاسم از منظر رهبر معظم انقلاب

مقام معظم رهبری در عرصه های مختلف در مورد سیدالشهدای مدافعین حرم صحبت کرده اند که تنها به چند مورد از آن اشاره می کنم و سپس جمع بندی آن را با تاریخ بیانات ایشان در قالب شکل شماره ۳ جمع شده است آورده می شود که در جمع بندی اصول از آن استفاده کردیم

سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی ترین آحاد بشر بر زمین ریخت... او نمونه ای برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. (پیام رهبری به مناسبت شهادت سردار دل ها، ۹۸/۱۰/۱۳) حاج قاسم باید همین جور به شهادت می رسید. خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود (بیانات در منزل حاج قاسم سلیمانی، ۹۸/۱۰/۱۳)



جدول ۳: بخشی از شاخص های اصول راهبردی برآمده از وصیت نامه سپهبد شهید

| مضمون پایه | سخن و کلام |
|---|---|
| باور به آخرت، قرآن، .. و عدالت الهی | شهادت می دهم که قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم حق است، سؤال و جواب حق است، معاد، عدل، امامت، نبوت حق است (وصیت نامه) |
| ولایت فقیه ولایت عملی در التزام به فرمانها | خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری ...، خامنه ای عزیز .. قراردادی. ... اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید. |
| ولایت امیرالمؤمنین ع | این ولایت، ولایت علی بن ابی طالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است، دور آن بگردید. |
| ولایت عملی به امام خامنه ای | اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، باجان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید... کسی که در جمهوری اسلامی می خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن ولایت عملی است |
| عشق به خدا و دیدار او | مرا ببذیر؛ پاکیزه ببذیر؛ آن چنان ببذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی خواهم، بهشت من جوار توست... تو خود می دانی دوست دارم. خوب می دانی جز تو را نمی خواهم. مرا به خودت متصل کن.... معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا ببذیر، اما آن چنان که شایسته تو باشم. |

| | |
|---|---|
| اعتقاد به جمهوری اسلامی و پایداری آن | امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمودی(ص)... اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. |
| حفظ جمهوری اسلامی | و الله و الله و الله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند... در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت‌فقیه مطرح می‌شود، این‌ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید |
| احساس مسئولیت در قبال ملت و اسلام | اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام |
| ولایت‌فقیه | جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت‌فقیه میراث امام خمینی (رحمة الله علیه) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی‌فقیه است. |
| حفظ حرمت شهدا | شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه آن‌ها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندان را بانام آن‌ها و تصاویر آن‌ها آشنا کنید..... |
| تمسک به دین و آرمان‌های انقلاب | اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به‌نوعی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید باهم باشید |
| بکارگیری افراد پاک‌دست و معتقد و خدمتگزاری به ملت | به‌کارگیری افراد پاک دست و معتقد و خدمتگزاری به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره خان‌های سابق را تداعی می‌کنند. |
| مردم‌داری و احترام به آن‌ها | در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کنند ... |
| نگاه پدرا نه مسئولین | مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند |
| شجاعت و قدرت اداره بحران | ملاک مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. |
| دشمن‌شناسی تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع | شناخت به‌موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع |

جدول ۴: بخشی از شاخص‌های اصول راهبردی مکتب سلیمانی از نخبگان و مسئولان

| مضمون پایه | سخن و کلام |
|-----------------------------|--|
| ولایت مداری / ولایت نامه | وصیت‌نامه این سردار سرافراز جهان اسلام از اول تا آخر ولایت نامه است. همگان بدانید که عزت شما در تبعیت از ولی فقیه است (آیت‌الله رئیسی) |
| مردم‌باوری | سردار سلیمانی و مکتب او مردم‌باوری را به ما می‌آموزد؛ او مردم را باور داشت. در عالم، سیاست‌مداران دم از مردم‌داری می‌زنند و دکان‌داری می‌کنند، اما در حقیقت مردم را باور ندارند (آیت‌الله رئیسی) |
| اطلاعات میدانی | او به‌جای اینکه در تهران بنشیند به لبنان و خطوط اول جنگ می‌رفت و از نزدیک با برادران صحبت می‌کرد و اطلاعات را می‌گرفت ... که باعث می‌شد کمک می‌کرد ذهنیت عمیق‌تر و گسترده‌تری در مسئولیت داشته بود. (سید حسن نصرالله در مصاحبه در شبکه یک، ۹۸/۱۱/۲۴ ساعت ۲۲) |
| عبور از خود | شهید سردار سلیمانی از نفس خود عبور کرد و بر آن غالب شد (سردار محمد شیرازی) |
| مدیریت میدانی و پیشگام بودن | قاسم سلیمانی یک فرمانده عالی‌رتبه بود و می‌توانست از دور دستوراتی را بدهد و در میدان هم حضور نداشته باشد اما در تمامی جبهه‌ها حضور داشت و تا زمانی که جلولا و سعدیه و دیگر مناطق را آزاد کردیم با ما بود. (محمود سنگاوی) |
| مدیریت زمان | حاج قاسم خیلی به بهره‌وری از وقت اهمیت می‌داد. یعنی چیزی را که می‌شد در ۵ سال انجام داد باید در ۱ یا ۲ سال انجامش می‌داد. تا این حد مصمم بود و پشت سرهم پیگیری می‌کرد (سید حسن نصرالله) |
| جنگ اراده‌ها | همیشه نیروها و یگان‌های عمل‌کننده را ترغیب و تهییج می‌نمود که نباید با همه مشکلات تسلیم دشمن شوند. اساساً جنگ را تقابل اراده‌ها می‌دانست به همین دلیل به دنبال انجام ناممکن‌ها در صحنه عملیات بود. (سردار بهمنی) |
| خستگی‌ناپذیری | حاج قاسم خسته نمی‌شود، او ساعت‌ها کار می‌کرد، پرکاری از ویژگی‌های او بود پرکاری یعنی پیگیری دائمی. (سید حسن نصرالله) |
| تأکید بر قدرت بومی و محلی | سردار سلیمانی بر اساس منطق قدرت، نخست منابع مادی را تقویت کرد، سپس سعی کرد هر کنشگری در قواعد ملی و محلی کشورش رشد کند؛ یعنی هرکسی در نسخه بومی خود رشد کند. او پایه‌های قدرت را بر اساس نسخه بومی کشورها تثبیت کرد. (محمد فتحعلی) |
| تفکر راهبردی | سلیمانی با افق دید خود، آینده منطقه را خوب ترسیم کرده بود و مجموعه‌ای که با نسخه‌های بومی و نگاه دقیقی از تحولات منطقه‌ای مدیریت کرد که این‌ها پیشران هر روند جدیدی شد که قصد داشت در مقابل صلح و ثبات قد علم کنند. (فتحعلی) |
| آینده‌نگری و نگاری | نگاه ایشان به تحولات منطقه‌ای، نگاهی آینده‌گرایانه و بر اساس واقعیت‌های میدانی بود. (محمد فتحعلی) |

| | |
|----------------------------|--|
| رعایت ادب در وجوه مختلف | عزت و احترامی که مردم به حاج قاسم سلیمانی داشتند ناشی از ادب‌های نفس، بندگی، سربازی، رزم، استقامت بودند که در جای‌جایی زندگی آن‌ها را عملیاتی کرده بود (خنیفیر) |
| فرامذهبی و فرا قومیتی | فرامذهبی و فرا قومیتی برای اهداف بزرگ‌تر تأکید داشت (امیر موسوی) |
| فرا سیاسی و جناحی | ایشان فرا سیاسی و فرا حزبی بود چه در عراق، چه در لبنان یا فلسطین یا حتی در ایران. (امیر موسوی) |
| انتقادکننده و پذیر | . ایشان فردی بودند که به راحتی بدون رودربایستی و رک انتقاد می‌کردند (حسین عباسی) |
| برخورد محبت‌آمیز | برخورد محبت‌آمیز و بزرگووارانه با تک‌تک نیروها از مشخصات بارز ایشان بود (حسین عباسی) |
| تیزبینی | ایشان خیلی تیزبین بود و مسائل را به خوبی درک می‌کرد (حسین عباسی) |
| ارتباط نزدیک با نیروها | ارتباط نزدیک با نیروهایش داشت حتی با خانواده آن‌ها تماس می‌گرفت (سردار دکتر محمدعلی بارانی) |
| برخورد صمیمی | برخورد صمیمی با بازنشسته‌های سپاه داشت و بدون اجازه خانواده موافق اعزام آن‌ها به سوریه نبود (سردار بارانی) |
| تصمیم‌گیری علمی | کارهای ایشان بر پایه مطالعات علمی بود یعنی تصمیم‌های که می‌گرفتند پایه علمی داشت و از یک پشتیبانی تحقیقاتی برخوردار بود (سردار نواب اصفهانی) |
| بصیرت | این شهید سعید به ما آموخت: آغاز بصیرت، مرحله شناخت است، شناخت خود و دیگران (دکتر خنیفر) |
| ارتباط صمیمی با مردم | به آموخت با مردم، مردم‌دار باشیم و در برخورد با آن‌ها به مسائل زیر توجه می‌کرد. لبخند و زبان بدن و ارتباط، شنود مؤثر، حل مشکل دیگران، بدل و بخشش، فداکاری تا مرحله شهادت (دکتر حسین خنیفر) |
| عمل حرفه‌ای | در هر کاری باید حرفه‌ای عمل کرد که مصادیق آن در زندگی شهید سلیمانی خیلی زیاد است (دکتر حسین خنیفر) |
| ولایت مداری | نفس او الهام گرفته از ایمان به اهل بیت (ع)، امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی است (رحیم نوعی اقدم) |
| اخلاص گفتار و عملی | سلیمانی فرد بسیار بزرگی از نظر اخلاص و عمل صالح بود (سردار دکتر حسین علائی) |
| واقع‌نگری عمل‌گرا | در مقابله با قوای دشمن بسیار واقع‌نگر و عمل‌گرا بود و کاملاً اجرایی فکر می‌کرد (دکتر علائی) |
| آتش به اختیار | قاعده شکنی از خصوصیات بارز ایشان بود و به معنای واقعی آتش به اختیار عمل می‌کرد (حجت‌الاسلام حسن علی اکبری) |

| | |
|-----------------------------------|---|
| توکل و توسل به خدا و اهل بیت | اولین موضوعی که در فرماندهی سردار سلیمانی تجلی داشت و خود را به رُخ می‌کشید، توکل به پروردگار متعال و توسل به اهل بیت علیهم السلام بود (رحیم نوعی اقدام) |
| دشمن‌شناسی عملیاتی | سردار سلیمانی ادبیات و شیوه‌های دشمن را به‌دقت می‌شناخت. او رفتار دشمن در برابر حرکات ما را پیش‌بینی می‌کرد و تشخیص می‌داد (رحیم نوعی اقدام) |
| ریسک‌پذیری | سومین موضوع در فرماندهی سردار سلیمانی، قبول خطر و برداشتن گام‌های بلند است (رحیم نوعی اقدام) |
| فرامذهبی و ملی | تمامی سلیقه‌ها، فرهنگ‌ها، ادبیات و حتی عقیده‌ها در بین نیروهای سردار سلیمانی حضور داشتند. (رحیم نوعی اقدام) |
| مطالعه میدانی | وقتی صحبت از نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها می‌کرد همه متأثر از مطالعه میدانی و از نزدیک بود (سردار صالح) |
| راهبردهای خلاقانه | زمانی که همه فکر می‌کردند راهی برای حل مسئله نداریم و غیرممکن به نظر می‌رسد ایشان با تلاش جهادی راهکار و راهبرد خلاقانه ارائه می‌داد و خودش نیز اهتمام به پیاده‌سازی آن‌ها می‌داشت (سردار دکتر اصغر صالح) |
| مدیریت دینی | ایشان از یک مدیریت علمی دینی برخوردار بودند و هر جا بن‌بستی در کار احساس می‌کردند ایشان با توسل راه‌کار ارائه می‌دادند (سردار دکتر اصغر صالح) |
| مدیریت برانگیزاننده | ایشان وقتی با مسئولین صحبت می‌کرد مسائل را چنان بازبینی می‌کرد و توضیح می‌داد که آن‌ها را متقاعد می‌ساخت (سردار دکتر اصغر صالح) |
| مدیریت بین‌الملل مردمی | ایشان با مدیریتی که در جبهه‌های مختلف داشتند و ما اسم آن را جبهه‌های مردمی می‌شناسیم این نوع مدیریت را در عمل تعریف کردند (سردار دکتر اصغر صالح) |
| گسترده‌گی عقیدتی و فکری | ایشان در برخورد با احزاب و طیف‌های مختلف مردم مانند پدر و مادر با اعضای خانواده عمل می‌کرد. (دکتر اصغر صالح) |
| مدیریت با خروجی بالا و بی‌ادعا | نتایج تلاش‌های ایشان در جبهه‌ها بیرونی در حوزه‌های مختلف فوق‌العاده و بی‌نظیر است ولی هیچ‌وقت سخنی از آن‌ها نمی‌گفت مگر به‌ضرورت (سردار دکتر اصغر صالح) |
| مدیریت به همراه زدودن غم از ولایت | خیلی وقت‌ها که مشکلاتی پیش می‌آمد و مسئولین از حل آن عاجز بودند ایشان وارد میدان می‌شد و با تمام توان و شجاعانه و تدبیر به حل آن می‌پرداخت و موجبات شادی ایشان می‌بود (سردار دکتر اصغر صالح) |
| تفکر راهبردی ولایی | ایشان مدیریت راهبرد دینی را با رویکرد جدید در عمل پیاده نمود. رویکردی که با بصیرت همراه بود بصیرتی که از نزدیک و میدانی بود. (سردار دکتر اصغر صالح) |
| استقامت علوی گونه | قاسم در برابر دشمنان همچون کوه استوار بود. او از امیر مؤمنان آموخته بود که در میدان جنگ، کاسه‌های سر را باید به خدا هدیه داد. زره قاسم پشت نداشت و هرگز به دشمنان پشت نمی‌کرد (سلامی) |

| | |
|--|--------------------|
| او معجزه توکل و توسل بود. (سلامی) | توکل و توسل به خدا |
| بگویم او رخساره میدانی ولی فقیه بود و جز به او امر امام خامنه‌ای نمی‌اندیشید و هر آنچه اجرا می‌کرد همان بود که رهبری می‌فرمودند. او عاشق رهبری بود (سلامی) | ولایت مداری |
| وقتی که قلمش به کاغذ می‌رفت با اخلاص بود و با عباراتی موفقیت در نوشتن را نشان می‌داد. (سردار قآنی) | اخلاص |

بر اساس آنچه از جداول و تحلیل محتوای سخنان شهید و دیگران برمی‌آید اصول حاکم بر مکتب سلیمانی بر پایه سیاق سخنان و روایی و پایایی به دست آمده به شکل زیر خلاصه گردید:

جدول ۵: اصول راهبردی و مفاهیم کلید و شاخص‌ها

| مضمون سازمان دهنده | مضمون پایه | مضمون فراگیر مکتب سلیمانی |
|---------------------------|--|---------------------------|
| خدا باوری | باور وجود خداوند، باور به وحدانیت خدا، باور به حضور الهی و بصیرت الهی | اصول الهی یا معرفی |
| تفکر راهبردی ولایی | آینده‌نگری و نگاری، بصیرت (واقع‌بینی عمل‌گرا)، تأکید روی مسائل اصلی و مرکزی، چتر گسترده ایدئولوژیکی و فکری، دشمن‌شناسی عملیاتی، راهبردهای خلاقانه، فرامذهبی و ملی و فرا قومیتی، فرا سیاسی و فرا جناحی، مردم‌باوری و واقع‌بینی در شناخت حق و باطل | |
| آخرت‌نگری | باور به آخرت، بهشت و جهنم، باور به وجود برزخ و قیامت، عدالت الهی و شهادت‌طلبی | |
| اخلاص در گفتار و عمل | وحدت در گفتار و عمل، متظاهر نبودن، تواضع و فروتنی در برخوردها، جنگ اراده‌ها | اصول ارزشی یا پیشینی |
| التزام عملی به دین | تمسک به دین و آرمان‌های الهی، التزام عملی به دین، رعایت حدود الهی، تواضع و فروتنی در برخوردها، هماهنگی در گفتار و عمل | |
| روحیه جهادی و انقلابی‌گری | انقلابی‌گری، انتقادکننده و انتقادپذیر، خستگی‌ناپذیری، استقامت در کار، ریسک‌پذیر و انقلابی بودن | |
| استقامت علوی گونه | به‌کارگیری افراد پاک دست و معتقد و خدمتگزاری به ملت / مدیریت با خروجی بالا و بی‌ادعا/ مدیریت شجاعانه به همراه تدبیر، / راهبرد مقاومت / عقلائییت / استقامت در کار | اصول الگویی یا منشی |
| مدیریت دینی | هدایت قرآنی / مدیریت وقفی بی‌وقفه / مدیریت دینی / مدیریت برانگیزاننده / مدیریت بین‌الملل مردمی / مدیریت زمان | |

| | | |
|--------------------------|---|------------------------|
| تقوا و ادب الهی | رعایت ادب در وجوه مختلف / رسالت انسانی - اسلامی / ارتباط صمیمی با مردم / برخورد صمیمی و ارتباط عاطفی و نزدیک با نیروها / تقوا و ادب دینی | اصول بنیادی راهبردی |
| عشق به خدا و دیدار او | عمل حرفه‌ای / شجاعت و قدرت اداره بحران / تابع حقایق تا خواست‌های نفسانی پی پروایی در کارها / خستگی‌ناپذیری | |
| ولایت مداری (ولی فقیه) | اعتقاد به جمهوری اسلامی و پایداری جمهوری اسلامی ایران / ولایت عملی در التزام به فرمان‌ها و تدابیر امام خامنه‌ای / مدیریت به همراه زدودن غم از ولایت / واقع‌نگری به دشمن، اهداف و سیاست‌ها | |
| تصمیم‌گیری راهبردی ولایی | نگاه راهبردی / تیزبینی / تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع / واقع‌نگری عمل‌گرا / مطالعه میدانی / تأکید بر قدرت بومی و محلی / مدیریت راهبردی واقع بینانه / شجاعت و تدبیر در عمل / عقلانیت | |

نتیجه‌گیری و پیشنهاد :

الف: نتیجه‌گیری:

از آنچه گذشت می‌توان پاسخ سؤال اصلی یعنی اصول حاکم بر مکتب سلیمانی را در چهار اصل خلاصه کرد که به شرح مختصر زیر هست:

اصول اندیشه‌ای یا معرفتی مکتب سلیمانی

این اصول خروجی عقل نظری و از جنس معرفتی است که گروهی اجزای آن‌ها را باور، صدق و توجیه می‌دانند که از نوع نگاه به خدا، خود، دیگران و جهان اطراف هويت می‌گیرند. این اصول در حکم نیروی است که قوای محرکه را به حرکت درمی‌آورد از این‌رو نوع حرکت و چگونگی آن وابسته به نیروی است که به قوای محرکه داده می‌شود. به‌طور طبیعی انسانی که موتور محرکه آن از اندیشه توحیدی و الهی قوت گیرد فعالیت، قدرت محرکه، دامنه و گستره آن متفاوت از انسانی خواهد بود که قوای حرکتی خود را از اندیشه دنیایی و مادی سرچشمه می‌گیرد و خود را محدود به دنیا می‌بیند.

مطالعه اجتهادی استقرائی در وصیت نامه، سخنان سپهبد شهید و سخنانی که از ناحیه مقام معظم رهبری و دیگران در خصوص این شهید بزرگوار گفته شده بیانگر این است که محتوای اندیشه‌ای او حاکی از سه اصل اساسی **خدا باوری** با شاخص‌های باور وجود خدا و وحدانیت او و حضور الهی و **تفکر راهبردی الهی** با شاخص‌های آینده‌نگری و نگاری، بصیرت، تأکید روی مسائل اصلی

و مرکزی، چتر گسترده ایدئولوژیکی و فکری، دشمن‌شناسی عملیاتی، راهبردهای خلاقانه، فرامذهبی و ملی و قومیتی، فرا سیاسی و فراجناحی، مردم‌باوری و واقع‌بینی در شناخت حق و باطل و آخرت‌نگری با شاخص‌های باور به آخرت، بهشت و جهنم، برزخ و قیامت، عدالت الهی و شهادت‌طلبی هست

اصول ارزشی مکتب سلیمانی

اصول ارزشی بخش انگیزشی قوای محرکه ما را برمی‌انگیزاند و انسان را برای تحریک اعضا و جوارح و امی دارند تا کاری کند؛ تفاوت بین کسی که اعتقاد به خدا دارد و شهادت را تنها راه وصول به رسیدن و جاودانگی می‌شناسد ولی در میدان جنگ از مواجهه با دشمن هراس دارد و خود را پشت خاک‌ریز مخفی می‌کند با کسی که بدون زره جنگی با دشمن مواجهه شده و او را حیدر کرار می‌نامند (ابن شعبه، ۱۳۸۱، ص ۳۴۱، تهران) به میزان انگیزش الهی افراد و درجه و شدت آن برمی‌گردد که اوج آن‌ها را در معرکه‌های جنگ و حضور در خطرات و درنهایت در وصیت‌نامه می‌بینیم؛ "این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت - به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت... به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیان، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود" (بیانات رهبری در دیدار مردم قم ۱۸ / ۱۰ / ۹۸) "سردار شهید سلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال‌زدنی در صفوف مقدم و در خطرناک‌ترین جایگاه‌ها حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید" (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷ / ۱۰ / ۹۸)

این اصول در مکتب سلیمانی در سه اصل راهبردی **التزام عملی به دین با شاخص‌های تمسک به دین و آرمان‌های الهی، رعایت حدود الهی، تواضع و فروتنی در برخوردها، هماهنگی در گفتار و عمل اخلاص در گفتار و عمل با شاخص‌های وحدت در گفتار و عمل، متظاهر نبودن، تواضع و فروتنی در برخوردها، جنگ اراده‌ها و روحیه جهادی و انقلابی با شاخص‌های انقلابی‌گری، انتقادکننده و انتقادپذیر، خستگی‌ناپذیری، استقامت در کار، ریسک‌پذیر و انقلابی بودن** است.

اصول الگوی یا روشی مکتب سلیمانی

آدمی برای انجام کارها نیازمند الگویی است که از آن تبعیت کند بدون الگوی اجرایی توان ایجاد هیچ چیز را ندارد و اولین آدمی که دست به این کار زده است یا در اثر آزمون و خطاها و تجربیاتی که ناشی از علوم دانشی و تجربی اوست یا اینکه از جای دیگری برایش ارائه می‌شود؛ وقتی قایبل،

هابیل را کشت نمی دانست با جنازه او چه کار کند و لذا خداوند برای اولین بار با فرستادن کلاغی، خاک را به او آموزش داد(مائده: ۲۱) و یا وقتی که حضرت نوح دستور ساخت کشتی را گرفت با وحی و نظارت الهی ساخت (المؤمنون: ۲۷) و حتی آیات گویای این است که تربیت حضرت موسی (علیه السلام) در کاخ فرعون بر اساس برنامه ای بود که خداوند مشخص کرده بود (طه: ۳۹) یعنی همه اتفاقاتی که بر موسی علیه السلام در تولد، انداختن در دریا و گرفتن آن توسط آسیه و ... برپایه برنامه ای بود که خدا رقم زده بود.

بنابراین انسان برای این که کارها و فرمان ها را به درستی انجام دهد نیازمند این است که الگویی برای آن مشخص کند و الا فرمان بر مبنای تفسیر و برداشت شخصی صورت می گیرد و هیچ کس نیز نمی تواند او را به خاطر این کار مقصر بشناسد چراکه جواب منطقی این خواهد بود که برداشت من به این صورت بوده است و قرینه و شاهد و الگوی دیگری برای انجام غیر این نبود. مثلاً خداوند متعال گفته نماز بخوان (اقیموا الصلوه)، مرا عبادت کن (فاعبدنی) و مراقب غذایت باش « فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ » (عبس: ۲۴) و دستورات بی شماری که برای زندگی آدمی گفته شده است که همه آن ها نیازمند تعیین الگو است. از این رو هر مکتبی برای این که پیروانش در سبک و سیاقی که مورد نظر است حرکت کند نیازمند الگو می باشند.

حرکت در سیاق مکتب سلیمانی بر پایه تحلیل محتوای انجام شده در سه اصل مدیریت دینی با شاخص های هدایت قرآنی، مدیریت وقفی بی وقفه، مدیریت برانگیزاننده، مدیریت بین الملل مردمی و مدیریت زمان، استقامت و پایداری علوی گونه با شاخص های به کارگیری افراد پاک دست و معتقد و خدمتگزاری به ملت، مدیریت با خروجی بالا و بی ادعا، مدیریت شجاعانه به همراه تدبیر، راهبرد مقاومت، عقلانیت و استقامت در کار و اصل تقوا و ادب الهی با شاخص های رعایت ادب در وجوه مختلف، رسالت انسانی - اسلامی، ارتباط صمیمی با مردم، برخورد صمیمی و ارتباط عاطفی و نزدیک با نیروها است.

- اصول نمادی یا منشی مکتب سلیمانی

مقصود من از نماد ظهور بیرونی گفتمان، فکر، ارزش و رفتار هست مثلاً وقتی گفته می شود مؤمنان باید نماز بخوانند « اقیموا الصلوه»، این یک دستور است تحقق آن نیازمند چارچوب و قالبی است؛ و خداوندی که این دستور را داده است، می فرماید مقصود من با قالب و چارچوبی تأمین می شود که به حبیب و رسولم گفته ام، مرا با آن نماز بخوانید که حبیبم با آن نماز می خواند. « صَلُّوا كَمَا

صَلَّيْتُ» (خصیصی، ۱۴۱۹ ق؛ ص ۱۲۱) و هکذا این امر در وضو و سایر دستوره‌های الهی تعمیم می‌یابد. نکته قابل توجه در این دستورها و انتخاب نمادها این است که نمادها هدف و مقصود دستور را تأمین نماید یعنی نماد حاکی از چارچوب رفتاری، فکری و گفتمانی است که معانی در آن بیان و القا می‌شود به عبارت دیگر نماد قالب یا مجموعه‌ای از حرکات یا رفتارها و یا صورتی است که معانی به وسیله آن‌ها منتقل می‌گردد. (بابائی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۸)

وقتی در زمان رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله مردم را برای نماز فراخوان می‌کردند شیوه‌های مختلفی طرح شد مانند: نصب پرچم، شیپور زدن و نواختن ناقوس که حضرت به دلایل شباهت به یهود و نصارا رد کردند (سنن أبی داوود: ج ۱ ص ۱۳۴ ح ۴۹۸، السنن الکبری: ج ۱ ص ۵۷۴ ح ۱۸۳۴) که در نهایت نماد فراخوان مردم به نماز اذان شد. (الطوسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۸۴)

از این رو الگوها باعث جهت‌دهی ارزش‌ها، هنجارها و حتی باورهای انسان‌ها می‌گردد. الگوها باعث تأیید عمل و تشویق دیگران می‌شوند. الگو ایجاد انگیزه نموده و سرعت تحقق عمل را افزایش می‌دهد. الگو جرأت ورود در عمل را افزایش داده و سختی و مرارت‌های آن را به حداقل می‌رساند. الگو دلایل عقلانی و استقرایی را تحت الشعاع خود قرار داده و دلیلی فراتر از مسائل ظاهری ابراز می‌دارد. الگو منطقی است که از مجموع ارزش‌ها و باورها و شناخت‌های فردی و اجتماعی ظاهر می‌شود.

می‌توان گفت که اصول راهبردی نماد در واقع چکیده، میوه و محصول اصول اندیشه‌ای، ارزشی و الگویی است و نمود این‌ها در نماد متجلی می‌شود و لذا هرگونه انحراف و خلاف در این اصول در میوه خود را نشان می‌دهد و به معنای دیگر اختلاف در این اصل به خاطر انحراف‌هایی خواهد بود که در سه اصل قبلی ایجاد شده است. از این رو اصول نمادی خطوط قرمز مکتب سلیمانی و هر مکتب دیگر شناخته می‌شود و هرگونه تخطی در آن‌ها به مفهوم تخطی در اصول قبلی است. چنانکه در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است که اندیشه مانند آبی است که به درخت داده می‌شود که در میوه آن اثر می‌گذارد « وَ الْأَمِّيَاءُ مُخْتَلِفَةٌ فَمَا طَابَ سَقِيئُهُ طَابَ عَرْسُهُ وَ حَلَّتْ تَمْرَتُهُ وَ مَا حَبَّتْ سَقِيئُهُ حَبَّتْ عَرْسُهُ وَ أَمْرَتْ تَمْرَتُهُ» (خطبه: ۱۵۴)

بنابراین وقتی صحبت از اصول راهبردی نماد مکتب سلیمانی می‌کنیم یعنی چیزهایی که بتواند مفاهیم و معانی این مکتب را در بستر زمان بدون تغییر بنیادی حمل کند به طوری که پویایی و مانایی آن از بین نرود. این اصول در مکتب سلیمانی بر اساس تحلیل محتوای گفتمان مصاحبه

گران و سخنان رهبری و خود شهید در سه اصل عشق به خدا با شاخص‌های عمل حرفه‌ای، شجاعت و قدرت اداره بحران، تابع حقایق تا خواست‌های نفسانی، پی‌پروایی در کارها، خستگی‌ناپذیری ولایت فقیه یا ولایت مداری با شاخص‌های اعتقاد به جمهوری اسلامی ایران و پایداری آن، ولایت عملی به فرمان‌ها و تدابیر امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)، مدیریت به همراه زدودن غم از ولایت، واقع‌نگری به دشمن، اهداف و سیاست‌ها و تصمیم‌گیری راهبردی ولایی با شاخص‌های نگاه راهبردی، تیزبینی، تصمیم به موقع و عمل به موقع، واقع‌نگری عمل‌گرا، مطالعه میدانی، تأکید بر قدرت بومی و محلی، مدیریت راهبردی واقع‌بینانه، شجاعت و تدبیر در عمل و عقلانیت تجمیع شد.

ب: پیشنهادها

- ۱- در بعد دانشی و معرفتی: تعمیم اندیشه شهید بودن قبل از شهید شدن در سایر عرصه‌های فرماندهی و مدیریت از طریق تعریف دوره‌های توانمند ساز و ارزیابی عملکرد
- ۲- تعمیم باور به وجود فرصت بیشتر در بحران‌ها تا خود فرصت‌ها از طریق نترسیدن، نترساندن مگر از گناه و تخلف از فرمان و تدابیر ولی فقیه
- ۳- تعمیق تفکر راهبردی ولایی از طریق طراحی فرایند تفکر راهبردی علوی و آموزش آن به سطوح عالی مدیریت و فرماندهی
- ۴- در بعد ارزشی و انگیزشی: عشق واقعی به خدا و زندگی پس از مرگ در همه ارکان مدیریت و فرماندهی از طریق ارزشیابی عملکردهای آموزشی و عملی در سطوح مختلف آموزشی
- ۵- تعمیق تفکر راهبردی ولایی از طریق طراحی فرایند تفکر راهبردی علوی و آموزش آن به سطوح عالی مدیریت و فرماندهی
- ۶- در بعد الگویی و روشی: تعمیم ولایت عملی و دلی به ولایت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در تمام سطوح فرماندهی و مدیریت از طریق اجرای کارگاه‌های توانمند ساز و ارزشیابی عملکرد

- ۷- تعمیم تفکر فرامذهبی، سیاسی، قومیتی و جغرافیایی در میان فرماندهان و مدیران از طریق طراحی کارگاه‌های توانمند ساز و اجرای عملی ارزشیابی عملکرد و امتیازدهی بر مبنای آن
- ۸- در بعد نمادی و منشی: اعتقاد عملی و باور به این کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام « مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ » (کلمات قصار: ۸۹) « اگر میانه‌ی خودمان را با خدا درست کنیم، خدا میانه‌ی ما را با مردم، درست خواهد کرد.»
- ۹- باور به اینکه تنها راه نجات تبعیت عملی و قلبی از ولی امر و جانشین برحق امام زمان علیه‌السلام یعنی امام خامنه‌ای ^(مدظله‌العالی) می باشد.

فهرست منابع:

- قرآن
- نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ش، **علل الشرائع**، موسسه نشر زهیر
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، **من لا یحضره الفقیه - قم**، چاپ: دوم،
- ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۸۱، **تحف العقول**، ترجمه، جعفری، بهزاد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، **غرر الحکم و درر الکلم**، ناشر دار الکتب الإسلامی
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، **الکافی (ط - الإسلامیة)** انتشارات مصطفوی، تهران
- طباطبائی محمدحسین، **المیزان**، ۱۳۶۵، انتشارات مصطفوی، تهران
- طباطبائی. سید محمدحسین، **ترجمه المیزان**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ش

منابع فارسی

- بابائی محمدباقر، ۱۳۹۶، فرهنگ در کلام و سیره امیرالمؤمنین علیه السلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم
- بابائی محمدباقر، ۱۳۸۷، رمز موفقیت در تحقیق، چاپ دوم، انتشارات فکر و بکر
- بابائی محمدباقر، ۱۳۸۴، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام)
- بابائی محمدباقر، ۱۳۹۴، مدیریت جهادی، انتشارات نبوی
- بیانات مقام معظم رهبری بیانات در دیدار مردم قم ۱۸ / ۱۰ / ۹۸
- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷ // ۱۰ / ۹۸
- پیام مقام معظم رهبری به مناسبت شهادت سپهد شهید
- خصیبه، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ ق.؛، الهدایة الکبری، نشر بلاغ - بیروت،
- مطهری مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، بی تا،
- الطوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۶۴، تهذیب الأحکام، متوفای ۴۶۰ هـ، تهران، دارالکتب الإسلامیة،
- مطهری مرتضی؛ ۱۳۶۵، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، انتشارات صدرا
- مطهری مرتضی، ۱۳۶۵، عدل الهی، انتشارات صدرا
- مطهری مرتضی، ۱۳۶۲، انسان در قرآن، صدرا
- مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸، انسان ۲۵۰ ساله، انتشارات صهبا
- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الو سائل و مستنبط المسائل، قم

ب - سایت‌ها:

-<http://farsi.khamenei.ir>

-<http://www.hawzahnews.com/news/886468>

